

جاو

وقتی چیزی را با دلت بینی، نمی توانی چشمت را به رویش بسته ای.

در لغت

جاو: آن کس که هدایت را به مهده دارد، راه‌ما

بالک، صدا

برآورد باز

هائک: صدا کننده، آواز دهنده.

هائک صبیح: صدا کننده ای که صدایش شنیده می شود و دیده نمی شود.

در لغت، کورد

جاو: چشم

در این کتاب

جاو: شما کسی نودنیای هرمن نیست که ما را بخواند، که راه را به ما بماند، بلکه صدای است در دیرین، هراس از آگاهی، که می خواند و به خواندن دعوت می کند. جاو ما می خواند. همه چیز را، همه کس را، هائک که چنین خواندن، دیدن یا چشم دل است.

وضعیت رکورد: بیجا

چاو

شماره کتابخانه
وضعیت رکورد